یکشنبه ۳۱ فروردین ماه ۵۹ شماره ۴۳ تکشماره ۱۰ ریال

اطلاعیه حزب رنجبران ایران در مورد حوادث اخیر دانشگاهها

دریکسال اخیر موج خشونت ودرگیری ها در دانشگاههای ایران هیچگاه قطع نشدو دو جناح انحصارطلب وقدرت طلب برای تسخیر این دژ به رودرروئی با یکدیگر پرداختند. ولی درمجموع جناح قدرت طلب که اساساً" ازچپ نماها ومسلمان نماها ودمکراتها تشکیل شده بود، حاکمیت بلامنازع خودرا اعمال می‌نمود.

در ۴۸ ساعت اخیر، بدنبال انتشار اعلامیهٔ شورای انقلاب مبنی برتعیین سه روزمهلت جهت تعطیل دفاتر ومراکز گروههای سیاسی در دانشگاهها ومراکز آموزش عالی، موج خشونت ودرگیریها دربرخی از دانشگاهها براه افتاده است. درحالیکه شورای انقلاب سه روزمهلت برای گروههای سیاسی جهت تخلیهٔ دانشگاهها تعیین نموده بود، عناصرو دستجات غیرمسئول با ایجاد درگیری وتبدیل برخی دانشگاهها به صحنه‌های جنگ وزدوخوردبا ردیگربرغم ادعاهای خود، خلاف دستورورهنمود شورای انقلاب ورهبران جمهوری اسلامی، ودرجهت ایجادبی نظمی وهرج ومرج به میدان آمدند. آخرین اظهارات سخنگوی شورای انقلاب ومقامات دانشگاهی (بعدازظهرشنبه) درجهت محکوم نمودن این حادثه آفرینی ها، خصلت اخلالگرانهٔ این تحریکات را تاءیید میکند.

تصمیم شورای انقلاب مبنی برتعطیل ستادهای عملیاتی گروههای چپ نماو مسلمان نماوعوامل حزب توده، بدنبال یکسال فعالیت منفی این گروهها در مراکزدانشگاهی اتخاذشده است.

درمدت یکسال واندی که ازپیروزی انقلاب اسلامی میگذرد، این گروهها با بهره برداری ازاشتباهات وتحریکات انحصارطلبان ازسوئی وباسوءاستفاده ازاحساسات دانشجویان ازسوی دیگر، نفوذخودرا درمحیط دانشگاهی گسترش دادندواین نفوذرااولا درخدمت برقراری دیکتاتوری نظرخودودستهٔ خودعلیه گروهها ودستجات استقلال طلب قرارداده وثانیا ازاین طریق باخط "نه شرقی نه غربی، جمهوری اسلامی" به مقابله برخاسته وسموم انقیادطلبی نسبت به ابرقدرت روس رادر تودهٔ دانشجوتزریق کرده اند. درماههای اخیر، وقتی که ملت ودولت جمهوری اسلامی یکپارچه برای مبارزه با امپریالیسم آمریکابپاخاستند، آنها وقیحانه این مبارزه را ببادِ استهزاء گرفته، آنرا "جنگ زرگری" میان "دولت ضدانقلابی" وآمریکا خواندند وبموازات آن فحاشی ها وحملات وقیحانهٔ خودرا علیه رهبران جمهوری اسلامی وشخص امام خمینی گسترش داده اند.

حزب ما ضمن اینکه ازتصمیم شورای انقلاب مبنی بر برچیدن بساط کاسبکاری سیاسی گروهکهای چپ نما ومسلمان نما که امروزعمدتا ازتبلیغات ضد انقلابی وانقیادطلبانهٔ باندکیانوری حزب توده تغذیه میکنند، پشتیبانی میکند، معتقداست که درانجام این وظیفه، یعنی پایان دادن به دیکتاتوری چپ نماها وعمال حزب توده وحاکم ساختن خط استقلال طلبانهٔ نه شرقی نه غربی بردانشگاهها باید نسبت به مسائل اساسی زیرهوشیار بود:

۱) برچیدن بساط گروههای چپ نما ومسلمان نما بخصوص گروههای وابسته به حزب توده بهیچ وجه نباید به معنی برچیدن فعالیت سیاسی در دانشگاهها باشد، زیرا این فعالیت سیاسی لازمهٔ رشدهمه جانبه دانشجویان بوده وسلاح نیرومندی است دردست نیروهای استقلال طلب جهت افشاء وانفرادکامل مخالفین رنگارنگ انقلاب، بخصوص عمال ابرقدرت روسیه.

۲) درمبارزه با انحصارطلبی وقدرت طلبی گروههای چپ نما دردانشگاه (مبارزه‌ای که با برچیدن ستادعملیاتی آنها خاتمه نیافته بلکه فعالیت پیگیرسیاسی را می طلبد) بهیچ وجه نباید شرایط برای استقرار انحصارطلبی نوع جدیدی فراهم گردد، انحصارطلبی ای که میکوشد دانشگاه راازقبضه چپ نماها خارج ساخته وآنرا دردست خودقبضه کند.

۳) بایدبا انحصارطلبان که ازهم اکنون میکوشندجهت فراهم آوردن چنین شرایطی به تشنج دردانشگاهها دامن زده وبا ایجادبرخوردهای خونین، دانشگاهها رابسوی تعطیل سوق داده وبدین ترتیب خلاف خواست صریح شورای انقلاب وامام مبنی برادامهٔ فعالیت دانشگاهها تا ۱۴ خردادعمل کنند، مبارزه نمود.

ما مخالفت صریح خود را باهرگونه تعطیل دانشگاهها ابرازداشته ومعتقدیم که بایددرحین پیشبردمنظم و فعالانه امورتحصیلی دانشگاهها، طرح نظام نوین دانشگاهی هرچه زودترتدوین گردد.

۴) پاکسازی وایجاد نظام نوین دانشگاهی وتبدیل آن به نظامی درخدمت انقلاب واستقلال ایران امر خطیری است که نه باشیوه و درک انحصارطلبانه و زورمدارانه بلکه تنها با مشارکت وهمکاری توده‌های مبارزودانشجویان واستادان وکارکنان وصاحبنظران میهن دوست دانشگاهی ودرچارچوب نیازهای واقعی مرحلهٔ کنونی انقلاب بویژه نوسازی مملکت وتقویت استقلال ملی می‌تواندتحقق پذیرد. این یگانه شیوه ایست که قادر خواهدبودادامهٔ کاردانشگاه رابه نحوصحیح تضمین نماید.

دبیرخانه حزب رنجبران ایران

۱۳۵۹/۱/۳۰

درگیری در

مبارزه با چپ نماها و هواداران گرایش به شرق و غرب، به آنچنان شیوه‌ای از "مبارزه" دست میزنند که نافی تمامی آن اصولی است که بخاطر آنها خواست مبارزه را دارند. یعنی که رسمیت و حیثیت شورای انقلاب و بخصوص رئیس جمهور را به مسخره میگیرند، جنگ برادرکشی را به جوانان دانشجوکه اکثریت آنان غیروابسته به گروههای چپ نما ومسلمان نما بوده و مدافع انقلاب اسلامی ایرانند، تحمیل میکنند و بهترین آذوقهٔ سیاسی را برای تبلیغات چپ نماها و حقانیت بخشیدن به آنها فراهم میآورند.

امروز دیگر، با توجه به سوابق متعدد این چنین برخوردها وشیوه‌های "مبارزه"، وبا توجه به عریان شدن هر چه بیشتر تضادهای حاد درون حاکمین، به‌آسانی میتوان از پشت این درگیریها، سیمای انحصارطلبی را که میکوشد به هر قیمت شکستهای سخت و خردکنندهٔ گذشته را جبران کند مشاهده نمود. از چنین کسانی که منافع گروهی و تنگ نظرانه‌ی خود را مقدم بر مصالح عمومی انقلاب و میهن قرار داده‌اند چگونه میتوان انتظار داشت که در جهت وحدت ملی بکوشند وبه رأی مردم و به نظر رئیس جمهور منتخب اکثریت قاطع مردم احترام گذارند و صمیمانه ومتحدانه با او و با ملت همکاری کنند و در جهت برآوردن نیازهای حقیقی مملکت عمل کنند و هر روز و ساعتی حادثه‌ای جدید نیافرینند؟

با استفاده از احساسات بحق و عادلانه و خشم آگین بخشی از دانشجویان علیه تبلیغات و تحریکات ضد ملی چپ نماها و عمال ابرقدرت روس، دانشجو را به جان دانشجو انداختن، کار آسانی است لکن وحدت کردن، اتحاد بزرگ بوجود آوردن ویا به قول امام "هماهنگ" بودن و به دام شرق و غرب گرفتار نشدن کار بسیار مشکلی است بویژه برای آنها که اصولا نه تنها سودای این کار را در سر ندارند بلکه بدلیل گروهی‌گری در اندیشه‌هائی مخالف آن سیر میکنند.

لکن کار به همین افراد ختم نمیشود. طیف وسیعی از عناصر صادق و خشمگین به دنبال آنان و تبلیغات آنان روانند که باید آگاه شوند و نگذارند که از احساسات آنان سوءاستفاده شود. ما خطاب به این دسته دانشجویان هشدار میدهیم:

۱) بهوش باشید ونگذارید خشم شما علیه انحصارطلبی و حکمروائی خودکامانهٔ نیروهای چپ نما ومسلمان نما در دانشگاه‌ها به نیروی محرکهٔ موتور انحصارطلبان دیگری تبدیل شود. نگذارید به بهانهٔ برچیدن بساط خودکامهٔ شرقی وغربی گروههای منحرف چپ نما و مسلمان نما، ستاد جدیدی تحت عنوان "دفاع" ازانقلاب اسلامی دانشگاه را به انحصار خود درآورد.

۲) نگذارید مبارزه مقدسی که باید علیه نظرات و مشی های انحصارطلبانه، مخالف خط نه شرقی نه غربی انقلاب در دانشگاهها صورت گیرد، از جوهر اصلی خود خالی شود و به هدفهای معکوس بیانجامد. بهوش باشید، این شیوهٔ مبارزه‌ای که به شما پیشنهاد میکنند، شیوه‌ایست که از آن، چماق بدستان ضد انقلاب که منتظر فرصت مناسبند تا هرج ومرج را افزایش داده وحکومت مرکزی را تضعیف نمایند، سود خواهند برد. این شیوه‌ها از آن کسانی است که به هیچ رو قادر نیستند علیه نظرات انحرافی مبارزهٔ اصولی و درستی را به‌پیش برند.

۳) بهوش باشید، انقلاب درنظام آموزشی امر مقدسی است که با جنجال وهیاهو و با تعطیل دانشگاهها وتهدید به تصفیه‌های آنچنانی هیچ قرابتی ندارد، از کسانی که چنین ادعائی میکنند برنامه طلب کنید، فکر و اندیشه بخواهید ونگذارید که به‌این بهانه‌دانشگاهها را با ادامهٔ هرج ومرج تعطیل کنند وآنگاه در اطاقهای دربسته به "پاکسازی" و "تصفیه"ای که خود میخواهند. یعنی به‌پاکسازی بدون مشارکت مردم و دانشجویان و دانشگاهیان مومن ومبارز و بر اساس معیارها ومنافع گروهی مشغول شوند و دانشگاه و مراکز علمی ما را به‌ورشکستگی کامل بکشانند. این روش مسلما سیستم آموزشی منحط و وابسته به غرب ومیراث گذشته را ریشه‌کن نخواهد نمود.

۴) نگذارید به جای برچیدن ستادهای عملیاتی گروههای سیاسی، دانشگاه، این ستاد قدیمی فکر وعمل مبارزاتی به چاردیواری بیروح و بیجانی تبدیل گردد که در آن اشاعهٔ آزادانهٔ فکر و نظر سالم سیاسی جرم‌محسوب گردد، چه در اینصورت هیچ انقلابی در عرصه‌ی فرهنگی و نظام آموزشی عملی نخواهد گردید. باید که در عین بستن ستادهای سیاسی گروههای چپ نما ومسلمان‌نما در دانشگاه، مراکز جدید انحصارگرانه جایگزین نشوند، باید که محیط بحث و مشورت آزاد سیاسی در دانشگاه برای رسیدن به حقیقت برقرار گردد و دانشجویان بهوش باشند که چپ نماها، مسلمان نماها، انحصارطلبان با این روشها دانشگاهها را به جولانگاهی برای قدرت نمائی وزورگوئی تبدیل ننمایند.

دانشجویان ومردم مبارز! به درگیریها بلافاصله خاتمه دهید و از هر گونه درگیری جدید جلوگیری کنید. وهر گونه تحریکات آتش افروزانه را عقیم سازید. زیرپرچم "نه شرقی نه غربی" استقلال از دو ابرقدرت جهانخوار امریکا و شوروی صفوف خود را متحد سازید وبرای یک نظام‌آموزشی علمی، توده‌ای و ملی مبارزه‌ای آگاهانه، با برنامه، همه‌جانبه

و ثمربخشی را دریک محیط گرم و سالم مباحثه آزاد سیاسی آغاز نمائید.

رنجبر سال دوم - دوره دوم
ارگان حزب رنجبران ایران ۵۹/۲/۲

درگیری در دانشگاه بسود ضد انقلاب است

درگیری های خشونت بار و خونین دانشگاهها در روزهای اخیر هرج و مرج موجود در جامعه را تشدید نمود، خون چند جوان دانشجو را برزمین ریخت به سردرگمی، وخشم و نارضایتی موجود در میان توده‌های مردم دامن زد. مردم از خود سئوال میکنند: چرا در شرایطی که شورای انقلاب سه روز مهلت برای گروههای سیاسی مقرر نموده بود، دستجات غیر مسئول ویا "انجمن های اسلامی دانشجویان" خودسرانه به "تصرف" و اشغال دانشگاهها و مراکز آموزشی برخاسته و این حرکت را علیرغم اعلامیه‌ها وتذکرات مکرر شورای انقلاب و بخصوص شخص رئیس جمهور، همچنان ادامه داده و میدهند؟ مردم برای چندمین بار از خود سئوال میکنند: بالاخره مسئول این مملکت کیست؟ شورای انقلاب، دولت و رئیس جمهور یا گروهها و دستجات سیاسی یا دانشجوئی که خود را مالک ـ الرقاب ایران و صاحب سرنوشت آن میدانند؟ مردم حتی از خود سئوال میکنند: مخالفین انقلاب و رهبری و مرکزیت کشور کیانند؟ چپ نماها یا کسانی که به نام دفاع از انقلاب ورهبری و دولت اسلامی عملا مخالف آن عمل میکنند و با دامن زدن به هرج و مرج باعث بی‌آبروئی و تضعیف رهبری و تقویت مخالفین انقلاب بخصوص چپ نماها میگردند؟

در شرایطی که یک سال پس از انقلاب، هنوز چرخهای زندگی اقتصادی و ارگانهای مملکت به درستی به راه نیفتاده است، کمبود مواد مصرفی و مایحتاج مردم روز بروز گسترش مییابد وگرانی و بیکاری و نارضایتی‌ها به سرعت افزایش می‌یابد، در شرایطی که امپریالیسم امریکا تلاشهای خود را برای اعمال فشارهای بیشتر اقتصادی و دیپلماتیک تشدید و ناوگانهای خود را در سواحل جنوبی تحکیم میکند، در شرایطی که ابرقدرت روسیه افغانستان را اشغال کرده، درمرزهای ایران مانورهای نظامی انجام میدهد وکشتی های جنگی روسیه نیز در آبهای جنوبی جولان میدهند، در شرایطی که تهدیدات دولت بعثی عراق علیه حاکمیت ملی ایران ادامه دارد و هر روز تعداد کثیری از هممیهنان ما از عراق اخراج میشوند، درشرایطی که نیروهای چپ نما وانقیاد طلب متمایل و وابسته به روسیه صحن دانشگاه را به مراکز فعالیت و ارتباطات اخلالگرانهٔ خود تبدیل نموده و در عرصهٔ آموزش، تبلیغات به سود فرهنگ منحط امپریالیسم شرق راهدف خود قرار داده ومحیط دانشگاه را به مراکز توطئه و تبلیغ علیه دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران تبدیل نموده‌اند، در شرایطی که برای پاسخگوئی به اینهمه مشکلات داخلی و خارجی، وبرای برچیدن ستادهای انحراف سیاسی چپ نماها وایجاد زمینه برای نوسازی و سیستم آموزشی و تغییرات در فرهنگ حاکم بر دانشگاه بسه نظم، وحدانقلابی وقبول رسمیت شورای انقلاب و رئیس جمهور منتخب مردم و مورد اعتماد و تائید امام بیش از هر چیزی نیاز است، آری درست درچنین شرایطی است که عده‌ای به نام "پاکسازی" دانشگاه و

بقیه درصفحه ۵

۵۹/۲/۲

ارگان حزب رنجبران ایران

استبداد صغیر

از آنجا که گروههای "چپ" در بین توده‌های مردم پایگاهی نداشته و ندارند، دانشگاه به پایگاه اصلی، و محل نشو و نمای این گروهها بدل شده بود. "چپ نماها" میکوشند تا با تحریف شعار "استقلال دانشگاهها"، دانشگاهها

را در سراسر جامعه قرار دهند و بدورش دیواری بکشند. در این چهار دیواری هرگونه فعالیت ضد استقلال از انقیاد طلبی روسی تا انحرافی‌ترین عملیات چپ روانه در دانشگاه ها به آزادی جریان داشته کار تا جایی پیش رفت که دفاع از خلق افغانستان در برابر سوسیال امپریالیسم گناه کبیره‌ای بحساب میآمد و شخص امام مورد هتاکی و توهین بی‌مسئولیت ترین این گروهها قرار میگرفته

به این ترتیب روشن است گروههائی که فریاد "وا انحصار" برداشته‌اند، خود استادان فن انحصار طلبی بوده‌اند!

علاوه بر این، لازم است از جریان نوینی در دانشگاهها یاد کنیم: دانشجویان "دمکرات" (هواداران کیانوری) که در ابتدا، گروه کوچک و منفردی بودند. تدریجاً با رشد خط مشی وابستگی به شرق در دانشگاه، بکمک چپ نماها و مسلمان نماها رشد کرده و سرنخ انحصار طلبی "چپ" را بدست گرفته‌اند. آنها موفق شده‌اند جبهه متحد انقیاد طلبی حزب توده را در عمل تشکیل دهند (عمدتاً "با پیشگام و طرفداران مجاهدین). "دمکراتها" با بسیج متحدین خود، میکوشند طرفداران شعار نه شرقی نه غربی را منفرد کرده و نظریه منحط لزوم وابستگی به شرق را در اذهان دانشجویان جا بیاندازند.

دمکراتها با گرفتن موضع دوگانه، و چهره پنهان نمودن، هم محرک گروههای چپ نما بر علیه استقلال طلبی هستند و هم درموقع لزوم خود را از جلوی

وابستگی به شرق را در اذهان دانشجویان جا بیاندازند.

دمکراتها با گرفتن موضع دوگانه، و چهره پنهان نمودن، هم محرک گروههای چپ نما بر علیه استقلال طلبی هستند و هم درموقع لزوم خود را از جلوی
توده‌های خشمگین به کنار میکشند.

خلاصه کنیم:

ماهیت واقعی اکثر گروههای چپ نمای دانشگاه (دمکرات و پیشگام ...) دیکتاتور منشی و انقیاد طلبی است. سرنخ کلیه جریانات ضد استقلال در دست "دانشجویان دمکرات" هواداران کیانوری است و دیگر گروههای چپ‌نمادانشجوئی بعلت انحرافات گوناگونی که دارند به دام اینها می‌افتند.

با برپا نگهداشتن شعار نه غربی نه شرقی و مبارزه سالم سیاسی در دانشگاهها می‌توانیم وابستگان به روسیه را از نظر سیاسی فلج و طرد کنیم، و با بسیج اکثریت توده دانشجویان و مبارزه با انحرافات انحصار طلبانه و انقیاد طلبانه و گرایش به شرق و غرب، انقلاب فرهنگی دانشگاهها را به پیروزی رسانیم.

رنجبر ۲،۲،۵۹

رئیس جمهور مدد می طلبد

حوادث چند روز اخیر دانشگاه ها ـ که ابعادی بمراتب فراتر از محدوده دانشگاهها و مساله دانشگاهی بخود گرفت ـ به سرعت رو به وخامت گذاشت و زد و خورد های خونین میان دانشجویان چند زخمی و چند کشته بجای گذاشت (در ساعاتی که رنجبر زیر چاپ میرود طبق آخرین اخبار، درگیری های خونین حول و حوش دانشگاه تهران دوباره آغاز شده و زخمی های متعددی بجای گذاشته است). این در شرایطی است که میهن ما با انواع اغتشاشات و خطرات از داخل و خارج روبرو است. ادامه این اغتشاشات دولت و شورای انقلاب را در چند جبهه (امپریالیسم آمریکا، عراق، کردستان و دانشگاه) درآن واحد درگیر نموده است و نه تنها آنها را از پرداختن به وظایف روزمره و نوسازی مملکت بازداشته بلکه در عین حال میهن را در شرایط بسیار پر مخاطره‌ای فرو برده است. شک نیست که دشمنان رنگارنگ انقلاب در این درگیری چند جبهه ای منافع اساسی به سود تضعیف حکومت و بویژه رئیس جمهور می بینند. در برابر این اوضاع، رئیس جمهور بنی صدر ملت را به مدد طلبیده و بر هشدارهای پی در پی خود افزوده است. در سرمقاله "انقلاب اسلامی" روز شنبه ۲۹ فروردین بنی صدر چنین فراخوان داده است: "به شما باید راست گفت، انقلاب و کشور به جد در خطر است و اگر امروز نظم و انضباط اسلامی رعایت نگردد، فردا بسیار دیر خواهد بود. وظیفه من با مسئولیتی که دارم ایجاب میکند با شما با صداقت و صراحت صحبت کنم... ادامه روش کنونی بر پایه خود مداری در تصمیم و عمل به توقف کامل منجر میشود و انقلاب و کشور را نابود می کند... در این اوضاع که دشمنان خارجی و داخلی از هر سو سر بلند کرده اند و خطرات از شمال و جنوب و شرق و غرب نزدیک می شوند، از شما یاری می طلبم، ایستاده‌ام تا انقلاب و کشور به پیروزی رسند، مددی..."

بدنبال تشدید وخامت اوضاع، رئیس جمهور در سرمقاله دیگری در شماره یکشنبه "انقلاب اسلامی" (۳۰ فروردین) هشدار خود را بطرز باز هم جدی تر تکرار نمود. بنی صدر در این مقاله عمدتا بر روی عامل اخلال داخلی (گروههای قدرت طلب و انحصار طلب) تاکید میورزد و صراحتا اعلام خطر می نماید:

"اصرار بر تعطیل آنهم از راه تصرف دانشگاه چرا؟... اگر گروههای مخالف بر اینکار اصرار می ورزیدند میشد فهمید که مقصودشان چون موارد مشابه تضعیف دولت است، اما از سوی نیروهای خودی اینکار قابل فهم قابل توجیه بنظر نمیرسد."

"چگونه میخواهید دولتی را که خودی در مرکز کشور او را به چیزی نمی شمرد، دشمن در مرز ها حدی بگیرد و در سراسر کشور بر تصمیماتش ارج و منزلتی بشناسد؟... بر ماست که با صراحت بگوئیم وقتی نیروهایی که انقلاب کرده اند خود به قانون و قراری که بوجود آورده‌اند پابند نشدند، بوی کود تا جو را آکنده خواهد کرد..."

در ادامه این سر مقاله های بنی صدر، در روز دوشنبه اول اردیبهشت، در سرمقاله روزنامه "انقلاب اسلامی" چنین میخوانیم: "گرداننده جناحی از یک گروه سیاسی به دستیاران خود تعلیم داده است که نباید گذاشت بنی صدر موفق شود. برای موفقیت در این کار لازم است که: ـ غیر مستقیم مانع انجام گرفتن کار ها بشویم و وانمود کنیم که او مسئول امور کشور است و نا رسایی ها از اوست. ـ همه جا تبلیغ کنیم که خط او از خط امام جداست. ـ مجلس را آماده کنیم تا در هر لحظه مناسب در برابر او بایستد. ـ او را وادار به کناره گیری کنیم .... بدینقرار عده‌ای در پشت نشسته اند تا کنترل حرکت را در دست بگیرند و بخیال خود با تعطیل عمومی کشور شرایط ناکامی بنی صدر را فراهم بیاورند..."

ما از کم و کیف مطالب فوق الذکر دقیقا مطلع نیستیم لکن تکامل بحران سیاسی، صحت ارزیابی ما را مبنی بر بهانه قرار گرفتن مساله دانشگاه ها برای دعواهای گروهی انحصار طلبان نشان میدهد. (رجوع کنید به مقاله اصلی همین شماره رنجبر). تردیدی نیست که در روزهای آینده مردم انقلابی ما خواهند توانست نقش مستقیم آگاهانه‌ای در ایجاد نظم انقلابی به سود نیروهای وحدت طلب و صادق انقلاب اسلامی، به سود تمامی خلق ایران ایفا نمایند.

استبداد صغیر چپ نماها در دانشگاهها

جریان برخوردهای ...ر دانشگاهها، جریانی که ...خواست صحیح دولت و مردم ...زشده، متاسفانه تبدیل به ...مکش و زد و خورد بین "انحصار ...ان" و "چپ نماها" بر سر ...ف دانشگاهها گردیده است.

چپ نماها با شعار مبارزه ...نحصار طلبی به میدان ...ده اند. این شعار از طرف ...نماها بیشک کاذب و توخالی ...ت. زیرا آنها کمتر از هرکسی اعتراض به انحصار طلبی را ...رند. عملکرد دیکساله اکثریت ...ن گروهها (پیشگام، ...کرات، هواداران پیکار و ...ه کارگر" ورزمندگان و...) نشاندهنده انحصار طلبی شدید هریک از این با صطلاح "مدافعین" آزادی و دمکراسی است.

شوراهای دانشکده‌ها که پس از انقلاب شاهد تشکیل آنها بوده ایم، صحنه رقابت و زور آزمائي این گروهها برای تصرف آنها و اعمال قدرت خود از طریق این ارگانها بوده اند. در اولین دوره پس از انقلاب، در اکثر دانشکده ها، برای در اقلیت قرار دادن "انجمن های اسلامی" (هواداران امام) اتحاد گسترده‌ای از نیروهای چپ نما تشکیل گردید. این اتحاد گسترده برعلیه نیروهای خط امام، توسط نیروهائی انجام میگرفت که ظاهرا" دشمن ایدئولوژیک و اصولی یکدیگر بودند (مثلا" پیکاریها با توده ایها و دانشجویان هوادار مجاهدین). خود این حرکت، گویای ماکیاولیسم و قدرت طلبی کور این گروهها بود.

در دوره دوم، وقتی قدرت در اکثر دانشکده ها بدست این ائتلاف "چپ" افتاد، آنگاه رقابت و انحصار طلبی آنها آغاز گردید. این انحصار طلبی در زمینه های مختلف انجام میگرفت:

۱ـ انحصاری کردن امکانات صنفی دانشجویی ـ مثل کتابخانه ها، اتاق کوهنوردی، وگروههای نمایش و.. وهرگروهی کتابخانه و اطاقهای خاص خود را داشت ودیگران را از استفاده محروم میکرد.

۲ـ انحصاری کردن آموزش ـ

بقیه در صفحه ۲

پس از انقلاب هریک از گروهها کوشیدند تا استادان وکارمندانی را بر سرکار آورند که مبلغ نظرات آنها بودند. بزودی دسته بندیهای استادان هوادار پیشگام ودمکرات وغیره پدید آمدند. کلاسهای این یا آن استاد به خاطر عقاید سیاسی‌شان از سوی این یا آن گروه تحریم میگشت. وکلاسهای بعضی استادان پاتوق بعضی از گروهها شده بود. در واقع نظام آموزش عالی که می باید در خدمت وحدت خلق و استقلال ملی باشد، در خدمت گروههای مختلف تجزیه شده و انواع نظرات انقیاد طلبانه شرقی وغربی در آن تبلیغ میگشت.

۳ـ انحصاری کردن فعالیت سیاسی ـ در هر دانشکده گروهها ئیکه قدرت را بدست داشتند از هیچگونه فشاری برای جلوگیری از فعالیت دیگران خودداری نمیکردند. بارها بر سر یک وجب دیوار دانشکده، پوسترهای گروههای رقیب دریده شده وکار به زد و خورد میکشید. بر سر جای میز فروش نشریات همیشه رقابت وکشمکش بود اخیرا" کار به جایی رسیده بود که گروههای اکثریت در یک دانشکده میکوشیدند تا با به تصویب رساندن قطعنامه هایی الی الابد از فعالیت رقبا جلوگیری کنند! برای مثال از توطئه دمکراتها و پیشگامیها در دانشکده فنی و ادبیات برعلیه "انجمن ملی دانشجویان" باید نام برد. یا از اعلامیه اخیر دمکراتها برای محروم کردن هواداران پیکار، "راه کارگر" و "مبارز" از فعالیت در دانشگاهها

از توطئه دمکراتها و پیشگامیها در دانشکده فنی و ادبیات برعلیه "انجمن ملی دانشجویان" باید نام برد. یا از اعلامیه اخیر دمکراتها برای محروم کردن هواداران پیکار، "راه کارگر" و "مبارز" از فعالیت در دانشگاهها

وغیره.

حزب ما نیز بارها در دانشگاهها که به منزله پایگاه انقیاد طلبان چپ نما در آمده بود مورد حمله وفشار این گروههای باصطلاح "ضد انحصار" قرار گرفت. در هرکجا که چپ نماها به قدرت میرسیدند، نیروهای اسلامی که از طرف آنها به انحصار طلبی محکوم میشدند، خود تحت محاصره وفشار سیاسی شدیدی قرار میگرفتند.